



نقش انگلیس در گسترش و رشد وهابیت

میثم اورنگی*

چکیده

کشورهای استعمارگر برای تأمین منافع خود، با ترفندهای مختلفی زمینه ورود خود به کشورهای دارای منابع خام و دست‌اول را فراهم می‌کنند. کشورهای خاورمیانه به‌ویژه مناطق عرب‌نشین، به‌دلیل وجود منابع نفتی فراوان در این مناطق، از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و حمایت‌های مالی و نظامی بریتانیا از دولت وهابی آل سعود گویای همین مدعاست. آنان مهم‌ترین عامل گسترش آیین وهابیت و اقتدار آل سعود در منطقه شبه‌جزیره بوده‌اند. حمایت‌های آنان برای استقرار حاکمیت وهابیت را می‌توان در «حضور فیزیکی بریتانیا در منطقه شبه‌جزیره و سواحل خلیج فارس»، «کمک به آل سعود برای قدرت‌گرفتن»، «مقابله و براندازی امپراتوری عثمانی مثل قرارداد قطیف»، «حمایت‌های مالی و نظامی» و «نفوذ در میان عرب‌ها اعم از شرفای مکه و شرفای آل سعود، به‌واسطه جاسوسانی همچون سنت جان فیلیپی، ادوارد لورنس و ویلیام شکسپیر» مورد کاوش و بررسی قرار داد.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، بریتانیا، عثمانی، آل سعود، عربستان.

* سطح چهار حوزه علمیة قم، دانشجوی دکترای دانشگاه معارف اسلامی و دانش‌پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (ع).

مقدمه

تا پیش از جنگ جهانی اول، بریتانیا در مناطقی مثل ایران،^۱ عراق، کویت و به‌ویژه هندوستان حضور داشت؛^۲ اما اولین بار و به‌دنبال جنگ جهانی اول^۳ در سال ۱۹۱۴م،^۴ زمینه حضور کشورهای استعمارگر و بازرگانان اروپایی، به‌ویژه انگلیس، در منطقه خاورمیانه فراهم شد.^۵ علاوه بر جنگ جهانی اول، عوامل مهم دیگری نیز باعث شد تا کشورهای استعمارگر در راستای زیاده‌خواهی‌های خود، زمینه ورودشان به کشورهای عربی را فراهم کنند که برخی از آنها بدین شرح است:

۱. نزدیک بودن کشورهای عربی خلیج فارس به هند، که از مستعمره‌های مهم

انگلیس بود، و به کشورهای ایران و عراق؛^۶

۲. دستیابی به وسایل نقلیه جدید مثل کشتی‌های تندرو، برای ارتباط آسان و سریع با

کشورهای دوردست؛^۷

۳. دستیابی به توپ‌های دوربرد و تشکیلات سازمانی برای مقابله با خطرهای

احتمالی از سوی سایر قدرت‌ها؛^۸

۴. رقابت دو کشور قدرتمند انگلیس و فرانسه برای نفوذ بیشتر خود و همچنین کاهش

۱. مناطقی مثل بوشهر و بندرعباس.

۲. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲؛ باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۰۰.

۳. «جنگ جهانی اول» بزرگ‌ترین اتفاق در جهان غرب بود که علاوه بر تحولات فراوان در آن منطقه، همانند فروپاشی نظام بین‌المللی و نظام تزاری روسیه، شکست آلمان و پیروزی انقلاب کمونیستی - که بعدها زمینه‌ای برای جنگ افغانستان و تشکیل گروه القاعده شد-، بر این سوی جهان، یعنی بر شرق عالم نیز تأثیر گذاشت و باعث شد که پس از گذشت سه سال از جنگ جهانی اول، اولین قیام‌های عربی برای تشکیل حکومت‌های مستقل آغاز شود. شکی نیست که این انقلاب‌ها با تأیید و مساعدت‌های مالی و نظامی بریتانیا شکل گرفت و همین انقلاب‌ها بزرگ‌ترین ضربه به دولت ترک‌های عثمانی بود و کم‌کم عوامل فروپاشی امپراتوری عثمانی را ایجاد کرد. (نک: جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «جنگ جهانی اول»؛ صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۹ و ۱۰).

۴. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «جنگ جهانی اول».

۵. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۴ و ۲۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲؛ باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۰۰.

۷. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۲؛ موجانی، سیدعلی، تقاریر نجد، ص ۷.

۸. باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۰۷.

قدرت یکدیگر در منطقه خاورمیانه؛^۱

۵. کشف نفت از سال ۱۹۰۱م در عربستان^۲ و وجود مواد خام در این کشور؛^۳

۶. نزدیک بودن مناطق شمالی جهان عرب به کشورهای اروپایی.^۴

البته عمده‌ترین عاملی که زمینه حضور انگلیس در منطقه را فراهم کرد، «کشف

نفت» بود.^۵

امپراتوری عثمانی

بدیهی است که ایجاد پایگاهی مناسب برای حفظ منافع در کشوری دیگر، نیازمند روابط سیاسی مناسب با حاکمیت آن است؛ بدین جهت بریتانیا برای حضور و حفظ منافع خود و همچنین اهداف استعماری خود، به‌ویژه بهره‌برداری از نفت،^۶ در منطقه به دنبال این مسئله بود که اولاً: با حکومت آن منطقه، که در آن زمان امپراتوری عثمانی بود، روابط سیاسی مناسبی برقرار کند. ثانیاً: برای اینکه بتواند به راحتی از سواحل خلیج فارس استفاده کند، می‌بایست دفاتری تجاری برای سهولت کار مستقر کند که ایجاد این دفاتر، امنیت لازم را می‌طلبید.^۷ تمامی مناطق عرب‌نشین تحت سیطره و قدرت عثمانی‌ها بود و عثمانی‌ها نیز که در صدد بودند تا تمامیت ارضی آنها در منطقه خدشه‌دار نشود، بریتانیا را خطرناک‌ترین و بزرگ‌ترین عامل بازدارنده در نیل به اهداف خود می‌دانستند؛ به همین دلیل بریتانیا برای ورود به منطقه با مشکلاتی جدی مواجه می‌شد؛ زیرا هرگونه اقدامی از سوی مسئولان بریتانیا به عنوان دخالت در حاکمیت عثمانی تلقی می‌شد. علاوه بر اینکه انگلیس، عثمانی‌ها را به عنوان رقیبی سرسخت برای ورود به منطقه می‌دید؛ به‌ویژه از زمانی که عثمانی‌ها به کانال سوئز، که موقعیت استراتژیک مهمی

۱. عثیمین، عبدالله صالح، تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. روجان، یوجین، العرب، ص ۲۲۵؛ صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۲.

۳. باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۰۹.

۴. همان.

۵. جابری، محسن حسان، العلاقات السعودية البريطانية، ص ۳۳۳.

۶. همان.

۷. فیلی، هری سنت جان بریجر، تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبد الوهاب السلفية، ج ۱، ص ۸.

داشت، حمله کرده و موقعیت خود را در منطقه تثبیت کرده بودند.^۱
به دنبال مشکلات مطرح شده، بریتانیا به دو دلیل ذیل به دنبال به دست آوردن قلمرو
امپراتوری عثمانی بود:

۱. امپراتوری عثمانی بسیار وسیع و قدیمی بود و حاکمیت عثمانی در بسیاری از
سرزمین‌های اسلامی در اروپا و آسیا و آفریقا، سدی محکم در مقابل میل شدید بریتانیا به
توسعه قلمرو خود به شمار می‌آمد و وجود این امپراتوری بسیاری از منافع بریتانیا را
به خطر می‌انداخت.^۲

۲. حمایت عثمانی‌ها از سیاست‌های آلمان در جنگ جهانی اول علیه بریتانیا باعث
ایجاد خصومت میان این دو کشور شده بود؛ به همین جهت، انگیزه بریتانیا برای ورود به
قلمرو امپراتوری عثمانی و دشمنی با آنان را دوچندان می‌کرد.^۳

بریتانیا در راستای رسیدن به اهداف خود، پرورش مخالفان عثمانی‌ها و حمایت از آنان
را در پیش گرفت. به دلیل اینکه منطقه نجد و حجاز دارای روحیه قبیله‌گری و بدوی، و
همچنین از مرکزیت خلافت عثمانی دور بودند، بریتانیا برای رسیدن به اهداف خود، که
در رأس آنها تضعیف و نابودی عثمانی‌ها و حفظ امنیت مستعمره‌های خود و رسیدن سریع
به هند و جلوگیری از نفوذ رقیب خود یعنی فرانسه بود،^۴ آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه را
حمایت مالی و نظامی از قبیله‌ها و حکومت‌های محلی دانست.^۵ از طرفی امپراتوری
عثمانی در آن سال‌ها به دلیل بی‌کفایتی سلاطین خود و بی‌تدبیری در امر حکومت،
به جای «مقابله با نفوذ بریتانیا»، «اتکا به قدرت داخلی خود»، «حفظ وحدت» و «رعایت
عدالت در سرزمین‌های خود»، به دامن خود استعمار پناه برد و برای اصلاح مشکلات
ولایت‌های تحت حکومت خود، از انگلیس و سوئد کمک درخواست کرد و با دست خود

۱. فاسیلیف، الیسکی، تاریخ العربیة السعودیة، ص ۳۰۵؛ صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربیة، ج ۱، ص ۲۹.

۲. جمعی از نویسندگان، الموسوعة العربیة، ج ۱۲، ص ۹۱۱.

۳. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «جنگ جهانی اول».

۴. موجانی، سیدعلی، تقاریر نجد، ص ۸؛ حلاق، حسن، نقش یهود و قدرت‌های بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از
سلطنت، ص ۳۴.

۵. موجانی، سیدعلی، تقاریر نجد، ص ۲۴.

زمینه‌های نفوذ استعمار در دستگاه حاکمیت و در نهایت نابودی امپراتوری عثمانی را ایجاد کرد.^۱

حمایت‌های سیاسی

با توجه به مطالب مطرح‌شده، به مهم‌ترین حمایت‌های سیاسی بریتانیا از آل سعود شامل فرستادن نمایندگان در میان اعراب، انعقاد برخی پیمان‌های آل سعود و بریتانیا و همچنین کمک‌های تسلیحاتی و مالی اشاره می‌کنیم.

نفوذ انگلیس در میان اعراب

نفوذ انگلیس در میان ملت‌ها واقعیتهای انکارنشده‌ای و اصلی‌ترین حربه آنهاست. از ساده‌ترین نفوذها، نفوذ موردی و فردی استعمار در لباس دوست است که منطقه عرب‌نشین و امپراتوری عثمانی نیز از این قاعده مستثنا نبود. بر همین اساس بریتانیا برای رسیدن به اهداف خود، به دنبال مهره مناسبی بود که بتواند منافع بریتانیا را تأمین کند؛ به همین دلیل، اولین ارتباط اعراب و بریتانیا را «شریف عبدالله»، پسر حاکم مکه،^۲ در سال ۱۹۱۴م در قاهره صورت داد.^۳ در همین دوران، یعنی سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶م، نامه‌نگاری‌های زیادی بین «سر هنری مک‌ماهون»^۴ و «شریف حسین» راجع به شرایط

۱. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۱.

لازم است ذکر کنیم که در دهه چهارم قرن بیستم، به‌خاطر خشک‌سالی، کاهش حجاج (طبق معاهده قطیف، سود کلانی از حجاج به انگلیس می‌رسید)، بالا رفتن بدهی به‌مقدار ۲۱۹ هزار لیره، روی آوردن شرکت‌های نفتی خاورمیانه به شرکت‌های نفتی آمریکایی، وقوع جنگ جهانی دوم و احتیاج متفقین به نفت، و همچنین ورود آمریکا به جنگ، انگلیس از منطقه خاورمیانه خارج شد و جای خود را به آمریکا داد. (نک: واکیم، سلیم، الملک سعود، ص ۴۱؛ جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «آل سعود»).

۲. حاکم مکه: شریف حسین.

۳. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۰.

۴. سر هنری مک‌ماهون (Sir Henry McMahon) به‌عنوان نماینده بریتانیا در مصر بود؛ لذا بین مک‌ماهون و شریف حسین نامه‌نگاری‌های بسیاری در راستای اهداف بریتانیا و فروپاشی حکومت عثمانی انجام گرفت. وی در سال ۱۸۸۳م در دانشگاه افسری درس خوانده بود و به‌عنوان افسری نظامی فارغ‌التحصیل شد. وی در راستای اهداف بریتانیا در سال‌های مختلف در مناطقی مثل هند و بلوچستان فعالیت‌های بسیاری انجام داد. (نک: صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۱۷).

سیاسی عثمانی صورت پذیرفت و تحریکات بسیاری از سوی بریتانیا برای نابودی حکومت عثمانی انجام می‌گرفت. در این میان، بریتانیا به شریف حسین وعده کمک‌های نظامی و مالی داده بود که در صورت شکست عثمانی او را حاکم ممالک عربی کنند. شریف حسین به حرف‌های بریتانیا اعتماد کرد و نیت آنها را صادقانه تلقی کرد؛^۱ لذا لشگری را که متشکل از اعراب بادیه‌نشین و فراریان ارتش عثمانی بود، گرد هم آورد و علیه دستگاه عثمانی شورش کرد. از طرفی، بریتانیا برای حمایت از شریف حسین، توماس ادوارد لورنس،^۲ معروف به «لورنس عربی»، و شماری از مأموران نظامی و سیاسی را به شبه‌جزیره فرستاد و آنان توانستند با گزارش‌هایی که از لورنس دریافت می‌کردند، کمک‌های دولت انگلیس را به سرعت و پشت‌سرهم به منطقه اعزام کنند.^۳ لورنس و همراهانش توانستند در طول سال‌های حضورشان در منطقه، اقدامات فراوانی از جمله شورش اعراب برای فروپاشی دستگاه عثمانی و حضور انگلیس در منطقه را انجام دهند.^۴

بریتانیا در ابتدا قصد از بین بردن تفاهم و اتحاد وهابی سعودی را داشت^۵ و به شدت از قدرت‌گرفتن عبدالعزیز و اتحاد او با سایر شیوخ عرب منطقه واهمه داشت.^۶ از این رو، حضور مکرر «عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفیصل آل سعود» در وزارت بریتانیا برای کمک‌گرفتن از آنها، اعتماد انگلیس را در پی نداشت؛^۷ اما با گذشت زمان و پی‌بردن به اینکه عبدالعزیز به دنبال قدرت و به دست‌گرفتن حکومت بر تمام ممالک عربی است^۸ و

۱. همان، ص ۱۱.

۲. توماس ادوارد لورنس (Thomas Edward Lawrence) به دلیل آشنایی با زبان عربی، به عنوان نماینده بریتانیا در قاهره بود و سپس به ارتباط با فیصل برای تضعیف امپراتوری عثمانی مأمور شد و در سال ۱۹۲۷م، برای شناخته نشدن، نام خود را از «لورنس» به «شو» تغییر داد و در غرب به «لورنس عربی» معروف بود. (نک: صفوه، نجده فتحی، الجزيرة العربية، ج ۲، ص ۸۹؛ توماس، لویل، لورنس لغز الجزيرة العربية فی الوثائق البريطانية، ص ۸۹).

۳. سباعی، احمد، تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، ص ۷۰۶؛ لورنس، توماس ادوارد، ثورة في الصحراء، ص ۳۴.

۴. توماس، لویل، لورنس لغز الجزيرة العربية فی الوثائق البريطانية، ص ۷۹؛ جمعی از نویسندگان، الموسوعة العربية، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۵. خطیب، محمدعوض، الوهابية فکراً و ممارسة، ص ۲۱۲.

۶. جابری، محسن حسان، العلاقات السعودية البريطانية، ص ۳۳۳.

۷. صفوه، نجده فتحی، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۰ و ص ۲۴.

۸. جابری، محسن حسان، العلاقات السعودية البريطانية، ص ۲.

همچنین هم‌راستا بودن تفاهم وهابی سعودی با منافع بریتانیا، نظر کشورهای غربی به‌ویژه انگلیس، به آل سعود جلب شد.^۱ بریتانیا تلاش‌های فراوانی برای برگرداندن عبدالرحمن بن فیصل، که پس شکست از ابن‌رشد به کویت تبعید شده بود، انجام داد؛ اما عبدالرحمن به دلیل شکست سخت خود، از این کار واهمه داشت. سرانجام عبدالعزیز بن عبدالرحمن،^۲ که تمام مذاکرات پدر با انگلیس را دیده بود، تصمیم به بازگشت و تصرف ریاض گرفت. مقامات انگلیس عبدالعزیز بیست‌ویک‌ساله را گزینه خوبی برای اهدافشان یافتند.^۳ در این میان، دولت عثمانی نیز سعی بر جذب عبدالعزیز داشت؛ اما انگلیس به سرعت با نماینده خود در کویت به نام شکسپیر^۴ تماس گرفت و از او خواست که عبدالعزیز را برای جنگ با ترک‌ها جذب کند^۵ و اعلام کند که انگلیس آمادگی دارد تا وی را به عنوان حاکم نجد و احساء به رسمیت بشناسد. عبدالعزیز این پیشنهاد را قبول کرد^۶ و برای رسیدن به قدرت و نابودی امپراتوری عثمانی، اقدام به جنگ‌های بسیار در این راستا کرد.^۷ سرانجام شکسپیر در یکی از جنگ‌های آل سعود با رقیب سرسخت خود، یعنی ابن‌رشد، در سال ۱۹۱۵م کشته شد^۸ و پس از وی، هری سنت جان بریجر فیلبی^۹

۱. کورشون، زکریا، العثمانيون و آل سعود في الأرشيف العثماني، ص ۸۱.

۲. عبدالعزیز بن عبدالرحمن اولین حاکم سعودی است که توانست حکومت آل سعود را پس از سه مرتبه شکست، به ریاض برگرداند و حکومت سطلنتی آل سعود را با عنوان عربستان سعودی پایه‌ریزی کند. وی ۳۶ فرزند دارد که تاکنون یکی پس از دیگری حکومت پادشاهی عربستان را به عهده گرفته‌اند. وی در غرب به ابن‌سعود مشهور است.

۳. سعید، ناصر، تاریخ السعود، ص ۴۷ تا ۷۳؛ کورشون، زکریا، العثمانيون و آل سعود فی الأرشيف العثماني، ص ۸۱.

۴. کاپیتان ویلیام هنری شکسپیر (William Shakespeare) در «پنجاب هند متولد شد و در سال ۱۸۹۸م به عنوان افسری نظامی فارغ التحصیل شد و به عنوان رابط بریتانیا و اعراب در اوایل جنگ جهانی اول بود. او در سال ۱۹۰۴م نماینده بریتانیا در بندرعباس، در سال ۱۹۰۸م نماینده انگلیس در خلیج فارس، و در سال ۱۹۰۸م وکیل انگلیس در کویت بود. وی مسئول برقراری رابطه بین آل سعود و بریتانیا در مقابله با امپراتوری عثمانی بود و فعالیت‌های بسیاری انجام داد و در جنگ بین آل سعود و ابن‌رشد کشته شد. (نک: صفوه، نجده فتحی، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۰۶).

۵. فاسلیف، الیکسی، تاریخ العربية السعودية، ص ۳۰۷.

۶. لوتسکی، ولادیمیر، تاریخ عرب در قرون جدید، ج ۱، ص ۵۳۸.

۷. کتاب تقاریر نجد این وقایع را به خوبی بیان کرده است.

۸. فؤاد، حمزه، قلب جزيرة العرب، ج ۱، ص ۳۸۰؛ جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «جنگ جهانی اول».

9. Harry St. John Bridger Phillby.

به عنوان نماینده انگلیس در میان آل سعود قرار گرفت.^۱ وی به ظاهر اسلام آورد و خود را «عبدالله» نامید و اقدامات فراوانی برای نابودی امپراتوری عثمانی انجام داد؛^۲ تا جایی که خود عبدالعزیز به نقش و کمک های فراوان فیلی در رسیدن او به حکومت اعتراف کرده است.^۳

در نهایت، بریتانیا برای نیل به اهداف استعماری خود، آل سعود را گزینه بهتری از شریف حسین دانست؛ لذا قراردادهای بسیاری بین آنها برقرار شد که مهم ترین آنها قرارداد «دارین» یا «قطیف» است که در دسامبر ۱۹۱۵م میان عبدالعزیز و پرسی کوکس،^۴ برای جذب عبدالعزیز به دولت بریتانیا و مقابله با امپراتوری عثمانی در جزیره دارین، که در مقابل قطیف بود، صورت گرفت.^۵ سرانجام انگلیس توانست با حمایت های مالی و نفوذ در میان اعراب، به فروپاشی امپراتوری عثمانی و همچنین قدرت گرفتن و احیای مجدد وهابیت کمک شایانی کند.

مفاد معاهده قطیف

طبق این معاهده، بریتانیا حکومت آل سعود بر مناطق نجد، احساء، قطیف، جبیل و سواحل خلیج فارس را به رسمیت می شناسد و همچنین متعهد می شود که سلطنت عربستان، در تمامی نسل ها در بین خاندان آل سعود باشد. در مقابل، تعهدات آنان بدین شرح است:^۶

۱. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «آل سعود»، ج ۲، ص ۳۰.
۲. فیلی نزدیک به ۳۶ سال از عمرش را با عبدالعزیز گذراند و به گفته خود فیلی، در ۲۶ سال آخر عمر عبدالعزیز تمام وقت با وی بوده است و ارتباطشان هیچ گاه رو به سردی نرفت. (نک: عزیزاده موسوی، سیدمهدی، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، ج ۱، ص ۳۴۶).
۳. همان.
۴. پرسی کوکس (Percy Cox) در ابتدا نماینده سیاسی بریتانیا در زمان جنگ جهانی اول در خلیج فارس بود و به خاطر ارتباط نزدیک با عبدالعزیز بن سعود، دارای شأن و منزلت خاصی در شبه جزیره بود. (نک: صفوه، نجده فتوحی، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۱۶).
۵. فاسیلیف، ایسکی، تاریخ العربية السعودية، ص ۳۰۹؛ جریسی، خالد بن عبدالرحمن، اخلاق الملك عبد العزيز آل سعود، ص ۴۶.
۶. فیلی، هری سنت جان بریجر، بعثة إلى نجد، ص ۲۵۵؛ لنچافسکی، جورج، تاریخ خاورمیانه، ج ۱، ص ۴۳۶.

۱. آل سعود حق ندارد حاکمی را بر سرِ کار آورد که با بریتانیا مشکل دارد؛
 ۲. اگر کسی به سرزمین‌های عربستان حمله کرد، بریتانیا بدون اجازه آل سعود حق مداخله دارد؛
 ۳. آل سعود بدون اجازه بریتانیا حق امضای هیچ معاهده‌ای را با هیچ کشوری ندارد. علاوه بر این، حق ندارد زمین‌های تحت تصرف خود را بدون اجازه بریتانیا بفروشد یا رهن یا اجاره بدهد؛
 ۴. آل سعود متعهد شد که با کشورهای تحت حمایت بریتانیا مثل کویت، بحرین، قطر و عمان درگیر نشود؛
 ۵. عجیب‌تر از همه این موارد، این است که بریتانیا آل سعود را ملزم کرد که راه تمامی اماکن مقدس بر روی حجاج باز باشد و امنیت مالی و جانی حجاج را فراهم کند.^۱
- البته ذکر این نکته لازم است که آل سعود تمامیت ارضی عثمانی‌ها را به چالش کشیده بود؛ لذا این قیام و مقابله آل سعود جنبه سیاسی به خود گرفته بود و بهترین عامل برای سوءاستفاده بریتانیا از این جریان بود.^۲

استقرار حاکمیت وهابیت

در نهایت پس از سقوط عثمانی در سال ۱۹۲۴م، شریف حسین خود را حاکم کشورهای عربی خواند و از ورود حجاج نجدی به مکه جلوگیری کرد؛ لذا میان آل سعود و شریف حسین جنگی رخ داد. به دلیل حمایت نکردن بریتانیا از شریف حسین، به خاطر اینکه می‌دانستند وی انسانی جاه طلب است و می‌توسیدند پس از به قدرت رسیدن علم مخالف با سیاست‌های بریتانیا را بردارد و همانند عثمانی‌ها گریبان‌گیر آنها شود؛^۳ آل سعود پیروز میدان شد و شریف حسین هیچ‌گاه به آرزوی خود یعنی خلافت امت

۱. یکی از نکات مبهم این معاهده این است که بریتانیا چه سودی از تأمین مسیر حجاج می‌برد که آل سعود را به این کار ملزم کرد؟!

۲. علیزاده موسوی، سیدمهدی، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، ج ۱، ص ۳۳۶؛ حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، ص ۹۸.

۳. سباعی، احمد، تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، ص ۶۹۷ تا ۷۰۰.

اسلامی نرسید.^۱ در مقابل، بریتانیا طی چند قرارداد به حمایت از آل سعود روی آورد و پس از پیروزی و فتح تمامی مناطق توسط آل سعود، برای تقسیم مرزبندی حجاز و نجد با اختلاف‌های فراوانی روبه‌رو شدند و قرار بر این شد که جلسه‌ای برگزار کنند تا مرزها معلوم شود. اجلاسی به مدت شش روز منعقد شد؛ اما به‌جای اینکه اختلافات کم‌تر شود، بیشتر شد؛ لذا در این مرحله نیز بریتانیا بیکار نشست و جاسوس خود، پرسى کوکس، را وارد میدان کرد. او عبدالعزيز را به‌خاطر اینکه می‌خواست سرزمین‌های حجاز و نجد را به‌صورت قبیله‌ای تقسیم کند، توییح کرد و عبدالعزيز از این توییح پرسى کوکس، به‌دلیل اینکه وی عبدالعزيز را به این مقام رسانده بود، به وحشت افتاد و تمامی دستورات او را در این رابطه پذیرفت و بیان کرد اگر پرسى کوکس دستور دهد که نصف عربستان را به او بدهم، من تمام عربستان را به او خواهم بخشید.^۲ بدیهی است این‌گونه روابط نشان از تأثیرپذیری و تحت‌فرمان بودن آل سعود از انگلیس دارد.^۳ بسیاری از پیمان‌هایی که انگلیسی‌ها با سایر کشورهای عربی منطقه منعقد کردند، در همین راستا بوده است.^۴ از طرفی هم هرکجا احساس می‌کردند که دفاع از وهابیت و آل سعود به‌نفع انگلیس است و در رسیدن به اهدافشان کمک‌کار است، از او حمایت می‌کردند. در سال ۱۹۲۷م، انگلیسی‌ها که در سال ۱۹۲۱م به‌خاطر زیاده‌خواهی آل سعود در حمله به عسیر، با آنها درگیر شده بود، حکومت آل سعود را به رسمیت شناخت.^۵ شاهد دیگری که مؤید این مدعاست، قرارداد «کاکس» منعقدشده در سال ۱۹۱۵م بین آل سعود و بریتانیاست که در این معاهده آل سعود متعهد شده بود که به سرزمین‌های تحت‌حمایت بریتانیا حمله نکند، به دشمنان بریتانیا امتیاز ندهد، هر تصمیمی که در سیاست خارجی می‌گیرند بدون

۱. صفوه، نجده فتحي، الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۱.

۲. دیکسون، الکویت و جاراتها، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳. حمایت بریتانیا از اتحاد وهابی‌سعودی، تنها در مواردی بود که این حمایت تأمین‌کننده اهداف بریتانیا باشد؛ لذا در هر مقطعی که مقامات بریتانیایی احساس می‌کردند که آل سعود برای آنها نفع ندارند، به‌شدت با آنان مقابله می‌کردند. (نک: حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، ص ۳۱).

۴. جابری، محسن حسان، العلاقات السعودية البريطانية، ص ۳۳۳.

۵. روجان، یوجین، العرب، ص ۲۲۷؛ جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «آل سعود»، ج ۲، ص ۳۰.

هماهنگی با مقامات بریتانیایی نباشد و جانشین خود را از میان دشمنان بریتانیا انتخاب نکند. در مقابل نیز بریتانیا متعهد شد که هر سال، شصت هزار لیره به آل سعود پرداخت کند.^۱ تمام این موارد، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده در قبضه بودن آل سعود در دستان بریتانیاست، بیانگر ارتباط و نفوذ بریتانیا در وهابیت است.^۲

حمایت‌های اقتصادی

یکی از راه‌های استعمار برای افزایش سلطه خود بر مستعمره‌اش تلاش در حوزه اقتصادی است تا بتواند از این طریق به عنوان اهرمی برای رسیدن به مقاصدش بهره ببرد. بر همین اساس، بریتانیا در راستای تأمین منافع خود، در حمایت مالی و نظامی از آل سعود از هیچ تلاشی دریغ نکرد. در ادامه به برخی از این کمک‌های مالی و نظامی اشاره می‌شود:^۳

- اعطای ۳۰۰ سلاح جنگی سبک در سال ۱۹۱۵م؛
- اعطای ۳۰۰۰ سلاح جنگی در سال ۱۹۱۶م؛
- اعطای ۲۰۰۰ سلاح جنگی در سال ۱۹۱۸م؛
- راه‌اندازی ۴ توپخانه در سال ۱۹۱۶م؛
- اعطای مهمات جنگی در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۸م به مقدار ۱۰۰۰۰۰ و ۲۵۰۰۰۰ عدد؛
- پرداخت ۳۰۰۰۰ دلار در سال ۱۹۱۷م؛
- پرداخت ۱۵۴۰۰۰ دلار در یک مرتبه و ۲۴۶۰۰۰ دلار در مرتبه‌ای دیگر در سال ۱۹۱۸م؛

۱. روجان، یوجین، العرب، ص ۲۲۷؛ ولینکسون، جون، حدود الجزيرة العربية، ص ۱۱۶.
 ۲. باید به این نکته نیز توجه کرد که به اعتراف خود مقامات بریتانیایی، همان مقدار که بریتانیایی‌ها سعی داشتند با قبایل منطقه، به ویژه سعودی‌ها، ارتباط برقرار کنند، خود سعودی‌ها نیز به این ارتباط با بریتانیا متمایل بودند که نشان از رابطه استعمار با فرقه ضاله و تکفیری وهابیت است. آنان در همین راستا، هدایایی نیز برای یکدیگر می‌فرستادند. (نک: موجانی، سیدعلی، تقاریر نجد، ص ۲۵؛ کورشون، زکریا، العثمانيون و آل سعود فی الأرشيف العثماني، ص ۸۱؛ فاسیلیف، الیسکی، تاریخ العربية السعودية، ص ۳۰۹).
 ۳. فیلی، هری سنت جان بریجر، بعثة إلى نجد، ص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ نک: روجان، یوجین، العرب، ص ۲۲۷.

- پرداخت سالانه ۶۰۰۰۰ لیره به عربستان طبق قرارداد سال ۱۹۱۵م.^۱

لازم است ذکر کنیم که تمام این مبالغ یا به صورت هدیه بوده یا به صورت قرضی بوده که بعدها بخشیده شده است. سرانجام انگلیس پای خود را در منطقه محکم کرد و پس از جنگ جهانی اول، طبق معاهده «سایکس-پیکو»^۲ که بین فرانسه و انگلیس در سال ۱۹۱۶م منعقد شد، مناطق عربی به دو بخش تقسیم شدند که فلسطین، شرق اردن، عراق و عربستان مستعمره انگلیس، و سوریه و لبنان مستعمره فرانسه شدند.^۳

نتیجه

حضور استعمار بهربری بریتانیا در حجاز، نجد و حاشیه خلیج فارس امری مسلم است. همچنین این مطلب به اثبات رسیده است که بریتانیا برای بازگرداندن عبدالعزیز از کویت به عربستان تلاش زیادی کرد و توانست در دربار آنان نفوذ کند. در این زمینه، نمایندگان و جاسوسانی مثل ویلیام شکسپیر، جان فیلی و لورنس فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند. سرانجام با کمک این نمایندگان و حمایت‌های مالی و نظامی و معاهداتی که با آل سعود داشتند، توانستند با حمایت از آل سعود زمینه به قدرت رسیدن در شبه جزیره را فراهم کنند. هرچند با گذشت زمان، استعمار بریتانیا جای خود را به آمریکا داده است؛ اما همچنان خاندان آل سعود، بازیچه دست قدرت‌های بزرگ است و در راستای اهداف شوم آنها حرکت می‌کند.

۱. روجان، یوجین، العرب، ص ۲۲۷؛ جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «آل سعود».

۲. توافق نامه سایکس-پیکو بین فرانسه و بریتانیا برای تقسیم امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۶م بین مارک سایکس به عنوان نماینده دولت بریتانیا و ژرژ پیکو به عنوان نماینده فرانسه بسته شد.

۳. نک: روجان، یوجین، العرب، ص ۲۳۴؛ باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۱۰.

در این بین، بی‌رحمانه‌ترین و زشت‌ترین نوع استعمار در جهان عرب، اشغال فلسطین و الجزایر بود که مردم بومی منطقه را اخراج و ساکنان غیربومی یهودی را جایگزین آنها کردند. این مسئله یکی از عواملی بود که قلب مسلمانان را جریحه دار کرد و باعث ایجاد بحران سیاسی در منطقه خاورمیانه، و عاملی برای تنش و آشوب در منطقه شد که زمینه‌ای برای اقداماتی علیه استعمار شد. افرادی مثل امیر عبدالقادر در الجزایر، عبدالکریم خطابی در مغرب، جانشینان مهدی در سودان، ستوسییه در لیبی، و احمد عربی و چند تن از علمای الأزهر در مصر با این استعمار به مبارزه پرداختند. (نک: جمعی از نویسندگان، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «جنگ جهانی اول»؛ باغجری، کمال، بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها، ص ۲۱۵ و ۲۲۴).

کتابنامه

۱. باغجری، کمال، **بیداری اسلامی؛ دلایل و ریشه‌ها**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۰ ش.
۲. توماس، لوئیس، **لورنس لغز الجزیره العربیه فی الوثائق البريطانیه**، بیروت: دار الکتب العربیه، ۱۹۸۷ م.
۳. جابری، محسن حسان، **العلاقات السعودیه البريطانیه**، عربستان: بی‌نا، ۱۹۹۲ م.
۴. جریسی، خالد بن عبدالرحمن، **اخلاق الملك عبد العزيز آل سعود**، ریاض: مؤسسه الجریسی، چاپ دوم، ۲۰۰۰ م.
۵. جمعی از نویسندگان، **الموسوعة العربیه**، ریاض: مؤسسه اعمال الموسوعة، ۱۹۹۹ م.
۶. جمعی از نویسندگان، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر: سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷. حلاق، حسن، **نقش یهود و قدرت‌های بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت**، ترجمه: حجت‌الله جودکی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۹۰۹ م.
۸. حلبی، علی‌اصغر، **تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر**، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۹۰ ش.
۹. خطیب، محمدعوض، **الوهابیه فکراً و ممارسه**، بیروت: الغدير، چاپ دوم، ۱۴۳۲ ق.
۱۰. دیکسون، **الکویت و جاراتها**، بی‌جا: نشر طاری، چاپ دوم، ۱۹۹۰ م.
۱۱. روجان، یوحین، **العرب؛ من الفتوحات العثمانیه إلى الحاضر**، ترجمه: محمد ابراهیم جندی، قاهره: کلمات للترجمة و النشر، چاپ اول، ۲۰۱۱ م.
۱۲. سباعی، احمد، **تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه**، ترجمه و تحقیق: رسول جعفریان، قم: نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. سعید، ناصر، **تاریخ السعود**، تهران: نشر فراهانی، بی‌تا.
۱۴. صفوه، نجده فتحی، **الجزیره العربیه؛ فی الوثائق البريطانیا (نجد و حجاز)**، بیروت: دار الساقی، چاپ دوم، ۱۹۲۱ م.
۱۵. عثیمین، عبدالله صالح، **تاریخ المملكة العربیه السعودیه**، ریاض: مكتبة العبيكان، ۱۴۳۰ ق.
۱۶. عزیززاده موسوی، سیدمهدی، **تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش.
۱۷. فاسیلیف، الیسکی، **تاریخ العربیه السعودیه؛ من القرن الثامن العشر حتى نهاية القرن العشرين**، بیروت: شركة المطبوعات، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
۱۸. فؤاد، حمزه، **قلب جزیره العرب**، عربستان: مكتبة النصر الحديث، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ق.

۱۹. فیلی، هری سنت جان بریجر، **تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبد الوهاب السلفية**. قاهره: مكتبة مدبولي، چاپ اول، ۱۹۹۴م.
۲۰. فیلی، هری سنت جان بریجر، **بعثة إلى نجد**، تعليق: عبدالله صالح عثيمين، رياض: مكتبة العبيكان، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۲۱. كورشون، زكريا، **العثمانيون و آل سعود في الأرشيف العثماني**، بيروت: الدار العربية، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
۲۲. لنچافسكى، جورج، **تاريخ خاورميانه**، ترجمه: هادی جزایری، تهران: نشر اقبال، ۱۳۳۷ش.
۲۳. لوتسكى، ولاديمير، **تاريخ عرب در قرون جديد**، ترجمه: پرويز بابايی، تهران: انتشارات چاپار، چاپ سوم، ۱۳۵۶ش.
۲۴. لورنس، توماس ادوارد، **ثورة في الصحراء؛ مذكرات حول الثورة العربية الكبرى**، ترجمه: احمد آيش، امارات: دار الكتب الوطنية، چاپ اول، ۲۰۱۳م.
۲۵. موجانی، سيدعلی، **تقارير نجد**، با همكارى: امير عقيقى بخشايشى، قم: كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران، ۱۳۹۰ش.
۲۶. واكيم، سليم، **الملک سعود؛ مؤسس الدولة السعودية الحديثة**، بيروت: دار الساقی، چاپ دوم، ۲۰۱۱م.
۲۷. ولينكسون، جون، **حدود الجزيرة العربية**، ترجمه: مجدى عبدالکريم، قاهره: مكتبة مدبولي، چاپ اول، ۲۰۰۹م.